نهی از مُسکرات

حضرت نقطه اولی, حضرت بهاءالله, حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



### لوح رقم (11) امر و خلق – جلد 3

## ١١ - نهی از مُسکرات

در کتاب اقدس است قوله تعالی : لیسَ للعاقلِ ان یشربَ ما یذهبُ به العقلُ و له اَنْ یعملَ ما ینبغیۭ للانسانِ لا ما یرتکُبه کلُّ غافلٍ مریبٍ .

و در لوحی است . قوله جلّ و علا : ابن ذبیح غلام قبل علی الاعظم الابهی ای غلام مالک انام و سلطان ایّام میفرماید طوبی از برای نفسی است که الیوم بذکر الله ذاکر و بشطرش ناظر است الیوم بر کلّ خدمت امر مالک غیب و شهود لازم است نیکوست حال نفسی که بخدمتش قیام نمود و بحبّش بین اهل ملأ اعلی و ساکنین مدائن انشاء معروف گشت . ای سرمستان خمر عرفان در این صباح روحانی از کأس الطاف رحمانی صبوح حقیقی بیاشامید این خمر توحید را خمار دیگر است و خمارش را کیفیت دیگر آن از شعور بکاهد و این بر شعور بیفزاید آن نیستی آورد و این هستی بخشد آن را صداع از عقب و این را حبّ مالک ابداع همراه . بگو ای خلق محجوب حق ساقیست و اعطای کوثر باقی میفرماید اَنِ اسْرعوا الی ما ارادَ لکم معرضاً عمّا اردتُم هذا خیرٌ لکم و اسمی المهیمن علی العالمین ذکّر اخیکَ من قِبَلِ ربِکّ و امک و الّذین آمنوا باللّه العلیم الخبیر .

و در لوحی است قوله جلّ و عزّ : ایّاکم اَنْ تبدّلوا خمرَ اللّه بخمرِ انفسِکم لانّها یخامرُ العقلَ و یقلّبُ الوجهَ عن وجه الله العزیز البدیع و انتم لاتتقرّبوا بها لانّها حرّمتْ علیکم من لدی اللّه العلیّ العظیم .

و در لوحی دیگر قوله الاعلی : بسم الّذی کان ظاهراً فوقَ کلّشیئی هذا کتابٌ من لدی المسجون الی الّتی آمنتْ بربّها و کانتْ من القانتات و عرفتْ ربّها فی ایّام الّتی کلٌ غفلوُا عنه اِلّا الّذین‌هم انقطعوا من الدّنیا و بلغوا الی مقرّ الّذی جعلهُ اللّه مقدّساً عنِ الاسماء و الصّفات ان یا امةَ اللّهَ اسمعی نداءَ هذا الغلام الّذی ظهرَ فی قطب الآفاق بملکوتِ الآیات لیجذبَک ندائُه و ینقطعَک عمّا خُلق فی الدّنیا و یقرّبک الی مکمنِ الظّهورات طهرّی نفسکِ عمّا یکرهه اللّه ثمّ اذکر به بقلبک و لسانک و لا تکونی من الصّامتات ایّاکِ اَنْ تعملی ما یضیع به امرُ الله بینَ عبادِه لانَّ الناسَ یرجعنّ کلّ عمل سوءٍ الی هذا المقامِ الّذی قدّسهُ عن کلّ الجهات و الاشارات اَنْ اشربنَ یا اماءَ اللّه خمرَ المعانی من کؤوسِ الکلمات ثمّ اترکنَ ما یکرههُ العقولُ لانّها حرّمتْ علیکنّ فی الالواحِ و الزّبرات ایّاکنَّ اَنْ تبدلن کوثرَ الحیوان بما تکرهه انفس الزّاکیات ان اسکرنَ بخمرِ محبّة اللّه لا بما یخامُر بة عقولُکنّ یا ایّتها القانتات انّها حرّمتْ علی کلّ مؤمنٍ و مؤمنةٍ کذلک اشِرقَ شمسُ الحکمِ من افقِ البیانِ تستضیئیُ بها اماءُ المؤمنات و الرّوح علی کلّ من عملَ بما اُمرَ من لدی اللّه و کانَ من الطّاهراتِ التّائباتِ .

و در کلمات مکنونه است قوله جّل و علا : بگو ای پست فطرتان از شراب باقی قدسم چرا به آب فانی رجوع نمودید .

و قوله عزّ بیانه : ای پسر خاک از خمر بی‌مثال محبوب لایزال چشم مپوش و بخمر کدرۀ فانیه چشم مگشا .

و قوله الحق : ای پسر انسان شبنمی از ژرف دریای رحمت خود بر عالمیان مبذول داشتم و احدی را مقبل نیافتم زیرا که کلّ از خمر باقی لطیف بماء کثیف نبید اقبال نموده‌اند و از کأس جمال باقی بجام فانی قانع شده‌اند فبئس ما هم به یقنعون .

و از حضرت عبدالبهاء در ضمن مرقومه مبارکه است قوله اللّطیف : جمیع نفوس را نصیحت نمائید که با وجود آنکه جام باقی و خمر الهی میسر هیچ فطرت پاکی به این آب فانی منتن میل می‌نماید لا و اللّه .
و در خطابی دیگر : پس باید کوثر باقی را طلبید نه ماء تلخ فانی و البهاء علی الّذین سکروا من خمر محبة اللّه .

و از حضرت ولیّ امر اللّه در ابلاغیّه ایست قوله العدل : شرب و استعمال افیون از محرّمات است و شارب بهائی نه و در زمرۀ مؤمنین داخل نیست ولی اگر ترک آن دفعة واحدة ضرر کلی داشته باشد درین صورت مؤمن حقیقی باید در کمال صمیمیت متدرجاً اقدام به ترک آن نماید .

و قوله الفصل : بواسطۀ آقا رحمت اللّه خان علائی علیه بهاء اللّه سفارش اکید گشت که شرب خمر و تریاک از محرّمات منصوصه حتمیّه است لهذا اگر افراد اجتناب ننمایند و متدرّجاً ترک نکنند و از نصیحت و انذار محفل متنبّه نشوند و عمداً مداومت نمایند انفصال آنان را از جامعه به کمال حزم و متانت اعلان نمائید .

و در ابلاغیّه دیگر راجع بسؤال سوّم فرمودند : بنویس این عمل قبیح و مذموم است و دلیل ترویج منهیّات امریّه ترک آن از فرائض وجدانیّه بهائیان حقیقی محسوب اگر بهائیان محل خویش را اجاره دهند و بهیچ وجه من الوجوه مداخله ننمایند و تائید شخص مستأجر را نکنند مسؤلیت از آنان مرتفع شخص مالک باید بجمیع وسائل متشبّث گردد که ملک خویش را از لوث این گونه امور دنیّة مصون و محفوظ نماید تا چه رسد به اینکه خود شخصاً مباشرت باین اعمال مردوده نماید .